

بیانیه
دقتر
سیاسی...



تساهل و
تسامح یا
بازگشت..



درس‌های
یک
مناظره...



ستم
سیتماطیک
علیه...



روز
جهانی
پناهندگان



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۶۰۷، شنبه، ۱ تیر ۱۳۹۲، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سلفن

ناهید حسینی

آیا میزان رأی ملت است؟

جمهوری اسلامی یک‌شبه متولد نشده است تا بتوان گفت یک‌شبه سیاست‌ها، دیدگاه‌ها و اعمالش دچار دگرگونی بنیادین خواهد شد. ماهیت جمهوری اسلامی مبتنی بر مجموعه ای از مناسبات و ارتباطات میان نهادهای قدرت است که خود موجب طرح این سؤال می شود که آیا تغییری جدی در موازنه‌ی قوا میان این نهادهای قدرت ایجاد شده که بشود از آن به‌عنوان گشایشی از سوی رژیم به‌روی غیرخودی‌ها و باورها و خواست‌های مردم یاد نمود؟

جامعه‌ی ایران دارای ساختاری پلورال است و طیف‌ها و قشرهایی با افکار و انگیزه‌های متفاوت را در خود دارد، دلایل مشارکت مردم در انتخابات هم به اندازه‌ی پلورال بودن جامعه متفاوت است، جمع‌کثیری رأی دادند تنها به این دلیل که امرار معاش آنان در گرو رأی دادنشان بود و از نان خوردن می‌افتادند، عده‌ای هم که از ترس مار به آتش پناه بردند و در مقام انتخاب میان بد و بدتر، بد را برگزیدند و آخرین امیدهایشان را به صندوق‌های رأی انداختند و به تبلیغات بی اساس نامزدها دل خوش کردند و چشم به سرائی دوختند که خود نیز خوب می‌دانند امیدهایشان پس از گرفتن رأی آنها، به فراموشی سپرده خواهد شد تا انتخاباتی دیگر و تأثیری دیگر برسد و برای مدت کوتاهی موجب ایجاد یک فضای کاذب و کوتاه‌مدت و ساختگی از شادی و آزادی برایشان شود. دیدیم که پس از انتخابات، خاتمی به‌عنوان سید اصلاح‌طلبان خطاب به مردم گفت که انتظار معجزه از روحانی نداشته باشند. یعنی آنچه گفتیم و برایش تبلیغات کردیم، تنها با معجزه عملی خواهد شد و شما نیز بهتر است در انتظار معجزه نمانید. عده‌ای هم فقط به دلیل (نه) گفتن به جمهوری اسلامی و نامزدهای مورد نظر خامنه‌ای و به‌دلیل ترس از جنگ و بیشتر شدن تحریم‌ها و گسترش هرچه بیشتر فقر در جامعه، به نامزدی رأی دادند که با سناریویی کمیک و با سلاح لیخنه به ظاهر خود را از دیگر نامزدها جدا نمود که مشخصاً همان نامزد گروه دوم یعنی روحانی بود.

در اینجا نباید این واقعیت را نادیده گرفت که بنابر آمار رسمی خود وزارت کشور، تعداد بسیار زیادی از واجدین شرایط رأی دادن، رأی نداده بودند و نزدیک به ۲۰۰۰ صندوق نیز مفقود شده است.

اپوزیسیون هم با تأکید بر غیردمکراتیک بودن رژیم، نمایش انتخابات را تحریم نمود و این یک تصمیم‌گیری سیاسی و بجا بود که نشان داد اپوزیسیون متعهد ایران که کلیت نظام را رد نموده، برگزاری هر پروسه‌ای را که در این چهارچوب قرار بگیرد، تحریم می‌نماید و این یک رسالت تاریخی بر دوش اپوزیسیون می‌باشد.

علاوه بر بحث‌ها و کالبدشکافی‌های سالانه در مورد اوضاع سیاسی و اقتصادی جهان، رهبران "گروه ۸" تنها به ابراز نوعی امیدواری محتاطانه به برگزاری نشست تحت عنوان "ژنو ۲" برای پایان دادن به بحران خونین سوریه بسنده کردند. در بیانیه‌ی پایانی اجلاس "گروه ۸" آمده است که دولت انتقالی سوریه باید در کنفرانس "ژنو ۲" تعیین شود. در عین حال در این بیانیه هیچ اشاره‌ای به ماندن یا رفتن بشار اسد از قدرت نشده است. نخست‌وزیر انگلستان، در پایان نشست "گروه ۸" گفته است، ما در هفت مورد پیرامون بحران سوریه به توافق دست یافتیم.

در پاریس، آلن ژویه، نخست‌وزیر سابق فرانسه، با نشان دادن ناخشنودی خود از انفعال "گروه ۸" گفت: "مهم‌ترین شکست نشست سران در ایرلند، عدم توان توافق بر سر بحران خونین سوریه است." وی بر نقش روسیه در این عدم حصول توافق تأکید کرد.

پس از انتشار بیانیه‌ی "گروه ۸" که در آن تشکیل جلسه "ژنو ۲" برای سوریه مورد توافق شکننده همگان قرار گرفت، اپوزیسیون این کشور با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد که: "ما آماده پذیرفتن و متعهد شدن در مقابل همه راه‌حل‌های سیاسی

به قصد پایان دادن به حمام خون در سوریه هستیم. این کار باید به قصد تحقق آرزوهای مردم سوریه با چشم‌انداز سقوط رژیم اسد و محاکمه کلیه کسانی باشد که علیه مردم این کشور دست به اقدامات

تأکید اسرائیل بر تشدید تحریم‌ها علیه ایران

ارتش اسرائیل گفت: "روحانی بخشی از یک رژیم محافظه‌کار و بخشی از جمهوری اسلامی است و اصلاح طلب بودن او امری نسبی است." به گفته‌ی یعلون: "حرف آخر را در برنامه‌ی هسته‌ای ایران، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی می‌زند." وزیر دفاع اسرائیل در همین حال "لزم مطرح کردن دوباره گزینه نظامی جدی علیه ایران را هم تکرار کرد. نخست‌وزیر اسرائیل نیز روز یکشنبه ۲۶ خرداد، گفت که سیاست اسرائیل در ایجاد فشار بر جامعه جهانی برای برقراری تحریم‌های شدیدتر علیه ایران تغییر نخواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، نتانیاهو روزسه‌شنبه در دیدار با جان برد، وزیر امور خارجه کانادا در اورشلیم گفت: "به ایران نباید اجازه داد با کش دادن مذاکرات، وقت بخرد."

جنايتکارانه زده‌اند". این بیانیه اضافه کرده است که اپوزیسیون کشور برای تحقق این اهداف آماده است تا به هر وسیله‌ای از جمله بکارگیری سلاح نظامی متوسل شود.

حماس: مناسبات با ایران از لحاظ سیاسی و مالی آسیب دیده است

حماس هدیه می‌کرد که حماس از جمله با آن، بخشی از حقوق هر ماه پنجاه هزار کارمند دولت اسماعیل هنیه در غزه را پرداخت می‌کرد.

سران حماس به تازگی مناسباتی گسترده با امیر قطر برقرار کرده‌اند و خالد مشعل و برخی دیگر از سران حماس پس از ترک همیشگی سوریه، در دوحه و ترکیه زندگی می‌کنند.

حماس هر چند از بستر اخوان المسلمین برخاسته و سنی است، اما از آغاز برپایی خود در اواخر دهه هشتاد میلادی، به عنوان یکی از بازوهای جمهوری اسلامی در منطقه شناخته شده است.

در آغاز بحران داخلی سوریه، سران حماس از موضعگیری روشن در این باره خودداری می‌کردند، اما با ادامه این جنگ داخلی، از خیزش مردم سوریه حمایت کرده و در ماه‌های گذشته نیز آشکارا در کنار مخالفان اسد قرار گرفته و به آموزش آنها اقدام کرده‌اند.

حماس می‌گوید مناسباتش با ایران به خاطر اختلاف نظرهای عمیق بر سر سوریه آسیب دیده است و ایران پول کمتری در اختیار حماس می‌گذارد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، سران حماس تأیید می‌کنند که حمایت آنها از مخالفان سوری، در حالی که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان حکومت بشار اسد است، موجب تعمیق اختلافات آنها با رژیم ایران شده است.

غازی حمد، معاون نخست‌وزیر حماس در غزه روز چهارشنبه، بیست و نهم خرداد، گفت: "مناسبات حماس و ایران، چه در سطح سیاسی و چه در سطح کمک‌های مالی ایران به حماس، آسیب دیده است." با وجود این، مقام ارشد حماس گفت که این جنبش فلسطینی "همچنان در کنار ملت سوریه می‌ایستد." رویترز به نقل از یک مقام دیپلماتیک منطقه نوشته است که جمهوری اسلامی ایران تا پیش از این، ماهیانه بیست میلیون دلار به

بیانیه درباره‌ی به رسمیت شناختن کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به‌عنوان "جنایت علیه بشریت" توسط پارلمان کانادا



همچنین تصمیم پیشین وزارت خارجه در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲ مبنی بر تعطیل نمودن سفارت ایران و اخراج دیپلمات‌های رژیم جمهوری اسلامی در این کشور، بیانگر همبستگی کانادا با جبهه‌ی دموکراسیخواهی ایران، به‌ویژه ملت کرد در ایران و نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها تهدیدی برای آزادی و زندگی مردم این کشور، بلکه تهدیدی جدی برای کشورهای منطقه از طریق جنگ‌افروزی و کشتار نیز هست، همانند آنچه که هم‌اکنون از کمک‌های بی‌پایان به رژیم بشار اسد با هدف تداوم کشتار و ویرانی هرجه بیشتر در این کشور و سرایت آن به کشور لبنان علنا مشاهده می‌شود.

بدون تردید، برای رهایی قطعی از چنگال این رژیم و برقراری حکومتی دموکراتیک و سکولار، تمامی ملیت‌های آزادیخواه ایران نیازمند حمایت و کمک جامعه‌ی بین‌المللی هستند و این اقدام پارلمان کانادا نیز در همین چهارچوب قرار می‌گیرد و از کشور

تصمیم روز چهارشنبه ۱۵ خردادماه پارلمان کانادا مبنی بر تعیین روز اول ماه سپتامبر به عنوان "روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران" و به رسمیت شناختن کشتار هزاران تن از زندانیان سیاسی ایران که در تابستان سال ۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی) توسط زمامداران ایران انجام گرفت، به عنوان "جنایت علیه بشریت" اقدامی سنجیده و مایه‌ی قدردانی و سپاس بیکران تمامی آزادیخواهان ایران، به‌ویژه ملت کرد است.

ما به‌عنوان ملت کرد و حزب دمکرات کردستان که بیش از همگان در ایران طعم تلخ کشتار و ترور را از ناحیه‌ی این رژیم چشیده‌ایم، این اقدام پارلمان کانادا را حمایت از عدالت و تلاش در راه رعایت حقوق بشر و نیز همبستگی با مبارزات آزادیخواهانه‌ی ملیت‌های ایران می‌دانیم که با جدیت در صدد برقراری حکومتی دموکراتیک و صلحجو در این کشور هستند.

بدون تردید، این اقدام پارلمان کانادا و

تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران باشد.

مراتب سیاس و قدردانی خود را تقدیم به پارلمان کانادا می‌نماید.

امیدواریم که این تصمیمات سرآغاز هماهنگی و همبستگی بین‌المللی، با هدف

دمکراتیکی همچون کانادا نیز انتظار همین است.

حزب دمکرات کردستان ایران ضمن استقبال از این اقدام سنجیده و مناسب،

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی

پیام تسلیت دبیر کل حدکا به مناسبت درگذشت پیر موروا



اتفاق آراء پذیرفته شد. با درگذشت آقای پیر موروا، فرانسه دولتمردی بزرگ، سوسیالیسم دموکراتیک یکی از نمادهای برجسته‌ی خود و خلق کرد یکی از دوستان وفادارش را از دست دادند.

یادش گرامی و روانش شاد باد

مصطفی هجری
دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران
کردستان - ۱۰ ژوئن ۲۰۱۳

یکی از چهره‌های برجسته‌ی سوسیالیسم دموکراتیک در فرانسه و در سطح بین‌المللی، به‌ویژه در زمانی که ریاست اینترناسیونال سوسیالیست را از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ بر عهده داشت و نیز به‌عنوان شخصیتی انسانگرا و مبارزی نستوه در راه آزادی و عدالت و دوستی صادق در پشتیبانی از حقوق خلق کرد، گرامی می‌داریم. ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که در دوران ریاست آقای پیر موروا بر اینترناسیونال سوسیالیست بود که عضویت حزب دمکرات کردستان ایران در آن به

آقای دبیر اول!

دوست گرامی!

خبر درگذشت آقای پیر موروا، اولین نخست وزیر نخستین دوره‌ی ریاست جمهوری فرانسوا میتران موجب تأثر و اندوه فراوان ما گردید. در این لحظات اندوهبار از سوی رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، فقدان این شخصیت برجسته را به شما، تمامی سوسیالیست‌ها و کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی آن مرحوم از صمیم قلب تسلیت می‌گویم.

ما خاطره‌ی آقای پیر موروا را به‌عنوان

بیانیه‌ی حدکا در محکومیت توهین به پیروان آیین یارسان

در همین رابطه، ضمن محکوم نمودن ستم و جنایت جمهوری اسلامی و دستگاه اطلاعات و محکوم‌کردن مجدد توهین به عقاید دیگران، مراتب تسلیت خود را به خانواده‌ی این شهروند جانباخته تقدیم کرده و خواستار شفای عاجل برای شهروند دیگر یارسانیان هستیم. همچنین از تمامی نهادها و مجامع حقوق‌بشری و بین‌المللی درخواست می‌کنیم در مقابل ستم و جنایت‌های ولایت فقیه، سکوت نکرده و موضع‌گیری کنند.

حزب دمکرات کردستان ایران

دفتر سیاسی

هجدهم خردادماه ۱۳۹۲ شمسی

هشتم ژوئن ۲۰۱۳ میلادی

و هیچ فرد یا جریانی اجازه‌ی توهین به باور و عقیده‌ی فرد یا جریان دیگر را ندارد، اساس همزیستی مسالمت‌آمیز انسانی، احترام به باور، حقوق و آزادی یکدیگر می‌باشد.

حزب دمکرات کردستان ایران، ضمن تأکید بر جدایی دین از سیاست، برای اینکه هیچ ایدئولوژی و فردی نتواند حکومت را در انحصار داشته باشد و به افکار و باور دیگران توهین کند و همچنین برای حفظ تقدس و شخصی‌بودن آیین‌ها، حمایت و پشتیبانی خود را از خواست پیروان آیین یاری اعلام کرده و معتقد است که باید تمامی انسان‌ها در جهت برگزاری مراسم‌های آیینی خود آزاد باشند و نباید هیچ کس آزادی دیگری را نقض کند.

صورت رسمی و غیررسمی به تمامی افکار و عقاید دیگر توهین می‌کند، نه تنها توانایی پذیرش افکار غیردینی و سکولار را ندارد، بلکه به پیروان دیگر مذاهب نیز به دیده‌ی تحقیر نگریسته و حتی در بین معتقدان به اسلام نیز تبعیض قائل شده و پیروان اهل‌سنت و پیروان شاخه‌های دیگر اهل تشیع نظیر زیدیه و دراویش گنابادی و ... را دشمن خود قلمداد کرده و تحت فشار و ستم، کلیه‌ی حقوق انسانی آنان را پایمال می‌کند. اکثریت پیروان آیین یارسان که در دو استان کرمانشاه و ایلام و تعدادی نیز در استان همدان ساکن هستند، به عنوان هموطن کرد و کردستانی مانند تمامی انسان‌های دیگر دارای فکر و اندیشه بوده

آن به آیین یاری و عقاید شهروندان پیرو این آیین، اقدام به خودسوزی کردند که متأسفانه یکی از آنان جان خود را از دست داده و دیگری نیز با خطر مرگ روبرو شده است.

خودسوزی و خود را به آتش کشیدن هر چند حاکی از اوج آمادگی یک انسان برای قربانی‌شدن در راه افکار و عقاید خود و همچنین نشانه‌ی اوج بی‌زاری از شرایط کنونی نیز می‌باشد، اما نمی‌توان این اقدام را تأیید و از آن حمایت کرد، زیرا راه‌های مبارزه و استقامت در برابر ظلم و ستم بسیار می‌باشد.

رژیم ایدئولوژیک و ارتجاعی جمهوری اسلامی که عقاید و افکار خود را تنها نوع تفکر و اندیشه قلمداد کرده و به

هموطنان عزیز!

خبر درگذشت یکی از شهروندان اهل صحنه در استان کرمانشاه برای بار دیگر عمق بحران و ستم و بی‌عدالتی و سرکوب در سیستم جمهوری اسلامی ایران را نشان داد و اثبات کرد که این رژیم هیچ گونه ارزشی برای انسان و باورها و حقوق و نیازهای وی قائل نیست و انسان را تنها به عنوان یک مهره و ابزار جهت پیشبرد نقشه‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهد. همان طور که در خبرها منتشر شد، دو شهروند پیرو آیین یاری، در دو روز جداگانه و در چهاردهم و پانزدهم خردادماه، اما در یک شهر و یک مکان، به نشانه‌ی اعتراض نسبت به توهین و بی‌احترامی رژیم ایران و دستگاه اطلاعات

اعلام حمایت دبیر کل حدکا از آزادی عبدالله اوجالان

اظهار داشت: "در این شرایط حساس که فرایند صلح pkk با دولت ترکیه در جریان می‌باشد، لازم است دولت ترکیه برای نشان دادن حسن نیت خود جهت حل مسأله‌ی کرد به اراده‌ی مردم احترام گذاشته و من هم با حسن نیت، آزادی این رهبر سیاسی زندانی را امضا کرده‌ام".

حمایت کنند". ایشان همچنین افزودند: "پشتیبانی از این نامه، حمایت از زندانیان سیاسی و ارج نهادن به مبارزه و تلاش آنان می‌باشد و امیدواریم که این اقدام دوستانه منجر به تحقق اهداف کمپین مزبور گردد". دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران

درخواست از سوی مصطفی هجری، دبیر کل حزب مورد قبول واقع شد و آن را امضا کرد.

آقای هجری ضمن امضای این نامه گفت: "امضای این نامه، وظیفه‌ای ملی است و باید هر انسان آزادیخواه و مهن‌پرست کرد، به ویژه آنهایی که طرفدار آزادی و انسانیت هستند، از آن

برای آزادی عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه، به سرپرستی "کاوه نادر" از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کردند.

هیأت مزبور به منظور جمع‌آوری امضا جهت آزادی عبدالله اوجالان، از دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار کرد و این

دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران طی نشست و دیداری با هیأت "کمپین آزادی عبدالله اوجالان"، تومار حمایت از آزادی این رهبر سیاسی زندانی را امضا کرد.

به گزارش وب‌سایت کردستان میدیا، صبح روز پنج‌شنبه شانزدهم خردادماه ۱۳۹۲، هیأت کمپین جمع‌آوری امضا

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

بیانیهی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

در رابطه با انتخابات نمایشی ریاست‌جمهوری و نتایج آن



لازم به ذکر است که براساس آمارهای خود رژیم، ۵۶ میلیون نفر در ایران واجد شرایط و دارای حق رأی بودند که از این میزان، ۳۶ میلیون نفر به پای صندوق‌های رأی رفتند. این امر نشان داد که نزدیک به ۲۰ میلیون نفر از واجدین شرایط از حضور در این انتخابات خودداری نموده‌اند. در میان این ۳۶ میلیون رأی نیز براساس آمار منتشر شده توسط وزارت کشور، نزدیک به ۱ میلیون و سیصد هزار رأی باطله وجود داشت که این میزان در مغایرت با ادعای رژیم مبنی بر مشارکت ۷۲درصدی مردم در این انتخابات است. بدیهی است که مقصود بخش چشمگیری از کسانی نیز که در انتخابات مشارکت نمودند، نه حمایت از رژیم، بلکه گفتن "نه" به رژیم و رأی دادن به کاندیدایی بود که این منظور را برساند.

در جریان تبلیغات انتخاباتی، نامزدها ضمن انتقاد از اقدامات دولت قبلی، وعده دادند که وضعیت وخیم اقتصادی کشور و معیشت مردم را بهبود خواهند بخشید و مشکلات با جامعه‌ی جهانی را حل خواهند کرد. این در حالی است که در جریان همین تبلیغات انتخاباتی چندین بار به کاندیداهای گزینش‌شده هشدار داده شد که وعده‌ای ندهند و بحثی را مطرح نکنند که خارج از صلاحیت‌ها و اختیارات ریاست‌جمهوری است، در عمل نیز قانونا رئیس‌جمهور در رژیم جمهوری اسلامی

هم‌میهنان گرامی!

آزادیخواهان ایران!

مردم مبارز کردستان!

رژیم جمهوری اسلامی ایران براساس برنامه‌ی تعیین شده، روز ۲۴ خردادماه ۱۳۹۲ خورشیدی، به اصطلاح انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات شوراهای شهر و روستا را برگزار نمود.

این انتخابات در شرایطی برگزار شد که تجربه‌ی این‌گونه انتخابات و بی‌نتیجه بودن آنها برای اغلب مردم، نیروها و جریانات سیاسی اپوزیسیون و حتی ناراضیان درون حاکمیت نیز آشکار شده بود. به همین دلیل، اکثریت قریب به اتفاق جریانات اپوزیسیون و بخشی از ناراضیان درون حاکمیت، به طرز کم نظیری نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری را تحریم نمودند.

گسترده‌گی این تحریم به اندازه‌ای بود که رژیم را به شدت نگران نمود، به گونه‌ای که خامنه ای را ناچار نمود تا از کسانی نیز که از رژیم حمایت نمی‌کنند، درخواست کرد که به خاطر کشور در انتخابات شرکت کنند. در عمل نیز انتخابات را به گونه‌ای مهندسی و برنامه‌ریزی کرد که بخشی از ناراضیان درون رژیم را به مشارکت و حضور در پای صندوق‌های رأی راضی نماید. این در حالی بود که بیشتر شورای نگهبان تنها صلاحیت ۸ تن از کسانی را تأیید کرده بود که همگی از مهره‌های دستچین‌شده‌ی خامنه‌ای بودند و پیروزی هر کدام از آنان تفاوتی برای وی نداشت تا در جریان انتخابات نیز ناگزیر به توصیه به نفع‌کسی نشود و ضرورتی نیز به دستکاری در آراء و تغییر نتایج آن نباشد.

علاوه بر این، برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی، نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری را در هر شهر و منطقه‌ای همزمان با انتخابات شوراهای شهر و روستا برگزار نمود تا چنین وانمود کند که حضور مردم به منزله‌ی استقبال از انتخابات ریاست‌جمهوری و حمایت از رژیم است. از همین رو، ظاهرا فرایند رأی‌گیری و شمارش آرای بی‌دردسر و در واقع و ماهیتا انتخاباتی غیردمکراتیک برگزار شد.

رژیم جمهوری اسلامی و شخص خامنه‌ای مراتب رضایت خود را از برگزاری بی‌دردسر و مشارکت بخش بیشتری از مردم در این صحنه‌سازی ابراز نموده و مشارکت ۳۶ میلیون نفر را در این انتخابات به مثابه حمایت مردم از رژیم و ناچیز شمردن موضع تحریم قلمداد نمودند.

افتتاح کتابخانهی "آزادی" توسط دبیر کل حدکا

کتابخانه‌ی آزادی در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران توسط مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات افتتاح گردید.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز چهارشنبه بیست و نهم خردادماه ۹۲، با حضور اعضای رهبری و مسئولین ارگان‌های حزب دمکرات، کتابخانه‌ی آزادی افتتاح گردید.

در این کتابخانه بیش از ۳۰۰۰ جلد کتاب فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ادبی وجود دارد. در زمینه فرهنگ و ادب کردی، بیش از ۶۰۰ جلد کتاب در این کتابخانه در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتابخانه زیرمجموعه‌ی کمیسیون آموزش حزب دمکرات کردستان ایران است و از سوی این کمیسیون اداره می‌شود.

گزینش‌شده‌ی آن، یعنی آقای روحانی که بدون آنکه خود را اصلاح‌طلب بداند، از حمایت به اصطلاح اصلاح‌طلبان برخوردار شد، از جانب برخی کشورهای غربی نیز مورد استقبال قرار گرفت، به این امید که درهای بسته‌ی مشکلات اساسی رژیم با جامعه‌ی بین‌المللی را باز کند و در نتیجه از فشارهای اقتصادی کاسته شود، این انتظار علاوه بر اینکه یک موضعگیری شتاب‌زده می‌باشد، بدین مفهوم نیز هست که مشکل این کشورها با جمهوری اسلامی ایران متفاوت از مطالبات توده‌های مردم ایران از جمله آزادی، دمکراسی، حقوق ملی، عدالت و برابری زن و مرد در خانواده و در جامعه است و اینها نیز در تضاد با ایدئولوژی خاصی هستند که جمهوری اسلامی بدان معتقد است، هر چند به نظر نمی‌رسد که رژیم از سیاست پیشین خود عقب‌نشینی نماید و به انتظارات این کشورها جامه‌ی عمل بپوشاند.

آنچه که برای مردم و ملیت‌های ایران اهمیت دارد، آن است که تحریم‌کنندگان به اراده‌ی شرکت‌کنندگان در انتخابات احترام بگذارند و رأی‌دهندگان نیز به احزاب، جریانات سیاسی و کسانی که به منظور "نه" گفتن به رژیم، موضع تحریم نمایش انتخابات را اتخاذ نمودند، احترام بگذارند. گرچه پیروزی روحانی در این انتخابات به معنای گفتن "نه" به رهبر رژیم و همفرکنش بود، اما اگر اراده‌ی خامنه‌ای مبنی بر ایجاد تغییرات محدود و اعتراف به بحرانی بودن اوضاع کشور و لزوم خروج از چنین وضعیتی را پشت سر خود نداشته باشد، به نظر نمی‌رسد که بتواند حتی منشأ همین دگرگونی محدودی نیز باشد که ادعای آن را دارد، همچنان که رفسنجانی و خاتمی نیز در دوران ریاست‌جمهوری خویش کاری از پیش نبردند و به بی اختیاراتی خویش اعتراف کردند.

به طور کلی، وظیفه ی مردم ایران پس از این به اصطلاح انتخابات، آن است که عموما و با جدیت کامل پیگیر مطالبات سیاسی و اساسی خود بوده و این واقعیت را درنظر بگیرند که موانع موجود بر سر راه دمکراسی، حقوق ملی، عدالت، اقتصاد سالم، رفاه مردم و محو تبعیض ها، با تغییر مهره‌های درون حکومت از جمله رئیس‌جمهور برطرف نخواهد شد، بلکه قانون اساسی، اختیارات نامحدود رهبر، عدم پاسخگویی رهبر در برابر مردم، نقش سپاه پاسداران و سلطه‌ی همه جانبه‌ی آن بر سرمایه‌های کشور و نقش شورای

حضور هیأت حدکا در مراسم سالروز تأسیس حزب دمکرات ترقیخواه کرد سوریه

در این مراسم شمار زیادی از احزاب و جریان‌های سیاسی هر چهار بخش کردستان شرکت داشتند و هیأت حزب پیام تبریک و شادباش حزب دمکرات کردستان ایران را قرائت کرد.

حزب دمکرات ترقی‌خواه کرد سوریه، ۵۶ سال پیش از سوی چند تن از فعالان کرد سوریه تأسیس شد و طی این مدت اعضای این حزب تا حد امکان در مبارزات سیاسی جهت احقاق حقوق ملی کردهای سوریه شرکت داشته‌اند. "عبدالحمید درویش" شخصیت سرشناس و یکی از اعضای مؤسس حزب دمکرات ترقیخواه کرد سوریه، روابط نزدیکی با حزب دمکرات کردستان ایران دارد.

نگهبان و به طور کلی موجودیت این رژیم در تمامیت آن، موانع اصلی بر سر راه دمکراسی هستند و متأسفانه هیچ یک از به اصطلاح اصلاح‌طلبان نیز برنامه‌ای برای رفع این موانع ندارند و حتی در مورد آن را بحثی هم به میان نمی‌آورند و به چرخیدن به دور خود در دایره‌ی اجبار "انتخاب از میان بد و بدتر" اعتقاد دارند که این نیز مطالبات اساسی مردم ایران را برآورده نخواهد کرد.

این امر که اکثریت دارندگان حق رأی بر سر صندوق‌ها حضور یافته‌اند، مشروعیت چندانی به رژیم نخواهد بخشید، زیرا مگر در فراندوم ۱۳۵۸ غیر از ملت کرد و نیروهای سیاسی آن که رفراندوم را به علت غیردمکراتیک بودن آن تحریم کردند، به گفته‌ی رژیم بیش از ۹۰ درصد از مردم به برقراری نظام جمهوری اسلامی رأی ندادند؟ که اینک می‌بینیم که موضع ملت کرد تبدیل به یک موضع تاریخی شده و اغلب رأی‌دهندگان به این رژیم نیز، اکنون از آن نفرت داشته و از رأیی که آن زمان داده‌اند، پشیمان‌اند.

روحانی، برنده‌ی این انتخابات در تبلیغات انتخاباتی خود از آشتی ملی سخن گفت که بدیهی است منظور از آن، آشتی میان جناح‌های داخلی رژیم بود تا سوءتفاهمات میان آنان برطرف شده و اختلافات داخلی آنان کاهش یابد که اگر در این رابطه نیز موفقیتی حاصل نماید، چه سودی به حال مردم خواهد داشت؟

قضاوت در این مورد که روحانی از بین وفاداری به اندک وعده‌های خود و وفادار ماندن همچون گذشته به خامنه‌ای کدامیک را انتخاب خواهد کرد، شاید زود باشد و آینده بیشتر و روشنتر نشان خواهد داد و آزمون دیگری را فرا روی توده‌های مردم ایران و افکار عمومی جهانیان قرار خواهد داد.

به طور کلی، نتیجه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران امری نیست که حقانیت مشارکت در انتخابات یا نسنجیده بودن موضع تحریم را ثابت کند، زیرا در هر دو حال، منظور گفتن "نه" به رژیمی بود که در این انتخابات خود را پیروز می‌داند.

حزب دمکرات کردستان ایران دفتر سیاسی	
	
۱۳۹۲/۳/۳۰خورشیدی	۲۰۱۳/۶/۲۰میلادی

دیدار جانشین دبیر کل حدکا با یک سناتور فرانسوی

همچنین تأثیر تحریم‌ها بر رژیم ایران و فشار بر شهروندان، نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری، مبارزات ملی کردها و بحران سوریه و دخالت رژیم ایران در این درگیری‌ها، وضعیت اپوزیسیون ایران و اتحاد و همکاری میان نیروهای مخالف رژیم ایران و مشکلات پیش‌رو برای اتحاد این نیروها، دیگر مباحثی بودند که توسط آقای شرفی و این سناتور فرانسوی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

آقای حسن شرفی در این دیدار در رابطه با کنگره ملیت‌های ایران فدرال و همچنین توافقنامه حزب دمکرات و کومله سخن گفت و بر اجماع اپوزیسیون ایرانی دمکرات و چپ تأکید نمود.

حسن شرفی، جانشین دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران و "خسرو عبداللهی" نماینده حزب در فرانسه، با سناتور "میشل پی‌یو" عضو کمیسیون روابط خارجی مجلس فرانسه دیدار کردند.

به گزارش وب‌سایت کوردستان‌میدیا، روز سه‌شنبه چهاردهم خردادماه ۱۳۹۲، "حسن شرفی" جانشین دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در دیدار با مسئول روابط خارجی مجلس و معاون سازمان امنیت فرانسه، سخنانی در رابطه با اوضاع کردستان، ایران و خاورمیانه ایراد کرد. در این دیدار "حسن شرفی" سخنانی در رابطه با نقض حقوق بشر از سوی رژیم ایران، وضعیت سیاسی و اقتصادی و همچنین شرایط اجتماعی ایران ارائه کرد.

روحانی، تساهل و تسامح یا بازگشت به گذشته؟

در گفتگو با مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران

م.هجری: فکر می‌کنم روی کار آمدن رئیس جمهور جدید حداقل برای یک سال، مردم ایران و غرب را در انتظار عملی شدن وعده‌های وی چشم‌پراه خواهد کرد. بنابراین در این مدت، غرب در فکر یافتن راه سازش با بدست آوردن امتیازات نه چندان قابل توجه در رابطه با موضوع غنی‌سازی

داخلی و خارجی رژیم خواهد بود؟ م.هجری: ما قبلاً نیز به این واقعیت اشاره داشته‌ایم که رئیس جمهور هرکسی که باشد، به قول آقای خاتمی، کارگزاری بیش نیست و میدان مانور وی بسیار محدود است، بنابراین اگر در آینده تغییری در سیاست داخلی و خارجی روی دهد، بازهم

چرخشی روی نداده است، زیرا آن‌ها انتظاری که از رژیم داشته‌اند و در آینده نیز خواهند داشت، نشان دادن تساهل در برنامه‌ی هسته‌ای و رسیدن رژیم به توافق با آن‌هاست، روحانی نیز در تبلیغات انتخاباتی در این مورد در باغ سبز را به آن‌ها نشان داد و از این نقطه‌نظر آن‌ها را

به این ترتیب آرای آنها کاملاً پراکنده و تقسیم شد و از قدرت رقابت با روحانی عقب ماندند. این انتخابات و نتایج آن واقعیت‌های دیگری را نیز آشکار کرد، از جمله اینکه نشان داد اصلاح‌طلبان با وجود اختلافاتی که با هم داشتند، توانستند بر اثر مشاوره‌ها و رهنمودهای سران این جریان با هم بر سر یک کاندیدا سازش کنند، در حالی که اختلاف سلیقه‌ها در میان اصولگرایان آنچنان شدید بود که آنها را از انجام این سازش محروم ساخت.

کردستان: آیا انتخاب روحانی، گفتن "نه" به سیاست‌های رژیم بود یا اینکه می‌توان آن را نوعی تأیید رژیم و لیبیک به فراخوان خامنه‌ای به حساب آورد؟

م.هجری: اشتباه خواهد بود اگر چنین پنداشته شود که انتخاب روحانی گفتن "نه" به سیاست‌های رژیم "ولایت فقیه" بوده است، بلکه واقعیت این است که روحانی هم فرمانبردار و مطیع رهبری است و سیاست‌ها و برنامه‌های وی را دنبال خواهد کرد، تنها با این تفاوت که با شیوه‌ی بیان و سیاست معقول‌تر تلاش خواهد نمود تا بلکه بتواند درهایی را که اکنون و بر اثر خشونت‌ها و به قول خودش "بداخلاقی‌ها"ی گذشته بر روی ایران بسته شده و وضعیت کشور را به حال انفجار در آورده است، اندکی باز کند، در واقع نقش سویاپ دیگ بخار را خواهد داشت، سیاست‌هایی که کم و بیش خاتمی و رفسنجانی نیز در دوره‌ی ریاست جمهوری خود اعمال کردند و بدین ترتیب توانستند برای چند سالی غرب را امیدوار کنند.

کردستان: تا چه حد فکر می‌کنید نتیجه‌ی این انتخابات، همسو با پروژه‌های کلان رژیم و بیت رهبری بود؟

م.هجری: اگر تقلبی در ریختن آرا به صندوق‌ها و یا شمارش آرا نشده باشد، می‌تواند علتش این باشد که مجری انتخابات، دولت بود و همچنین دولت در هیأت نظارت نقش اساسی داشت و این‌بار بر خلاف انتخابات دور دهم ریاست جمهوری، دولت با اصولگرایان نه تنها چندان توافقی برای هماهنگی در انجام تقلب نداشت، بلکه رقیب اصولگرایان به شمار می‌رفت و این اختلاف انجام تقلب را دشوار و هزینه‌ی آن را برای اصولگرایان بسیار بالا می‌برد و رژیم توان پرداخت این هزینه را نداشت و از عواقب آن نگران بود و می‌توان گفت که شاید رژیم انتظار چنین استقبالی از روحانی را نداشت، بنابر این من تردید دارم که انتخابات و نتایج آن همسو با پروژه‌های کلان سیاست‌گذاری رژیم پایه‌ریزی شده باشد. برای ولایت فقیه انتخاب هر کدام از کاندیداها تفاوت چندان نداشت، همچنان‌که همه‌ی آن‌ها از جمله روحانی در جریان تبلیغات انتخاباتی، وفاداری کامل خود را به رهبری اعلام داشتند و همچنین همه‌ی تقصیرات و کمبودها و اشتباهات را به گردن احمدی‌نژاد و دولتش و یکدیگر انداختند، انگار که رهبر هیچگونه تأثیری در تلنبار شدن آن همه بحران نداشته است. در آینده نیز آقای روحانی در چهارچوب سیاست‌ها و رهنمودهای رهبر انجام وظیفه خواهد کرد. بنابراین ضرورتی برای این سازش و همسویی با تحمل هزینه‌ی بالا وجود نداشت.

کردستان: عده‌ای از کشورهای غربی در مواضع رسمی قبل از انتخابات، آن را انتخاباتی غیر دمکراتیک و غیر آزاد خوانده بودند، اما اکنون از نتیجه‌ی آن تلویحاً یا علناً استقبال کرده‌اند. آیا چرخشی جدید را در سیاست غرب در رابطه با ایران شاهد خواهیم بود؟

م.هجری: در سیاست غرب هیچگونه

یازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران روز جمعه ۲۴ خردادماه ۱۳۹۲ برگزار شد و طی آن حسن روحانی، توانست با اختصاص دادن بیش از نیمی از آرای مأخوذه بر مسند ریاست جمهوری رژیم تکیه زند. در ارتباط با این رویداد و تأثیرات آن بر آینده‌ی سیاسی رژیم جمهوری اسلامی و نقش و جایگاه آن در معادلات جهانی و منطقه‌ای و مواضع و دیدگاه‌های حزب دمکرات کردستان ایران در این ارتباط، روزنامه‌ی کردستان گفتگویی با مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات ترتیب داده است که توجه خوانندگان گرامی را به متن کامل این گفتگو جلب می‌کنیم:

کردستان: مشارکت ۷۲ درصدی مردم در انتخابات ریاست جمهوری و رأی آنها به حسن روحانی را برآیند چه عواملی می‌دانید؟

م.هجری: مشارکت مردم در انتخابات و دادن رأی به حسن روحانی را قبل از هر عامل دیگری باید در نفرت مردم ایران از سیاست‌ها و برنامه‌های اصولگرایان جستجو کرد، سیاست‌ها و برنامه‌هایی که به ویژه طی یک دهه‌ی گذشته، کشور را از نظر داخلی و خارجی به بن‌بست کشانده و هیچ امیدی به بهبود وضع با ادامه‌ی حکومت از طرف این گروه باقی نگذاشته بود. حسن روحانی هرچند جزو اصلاح‌طلبان به شمار نمی‌آید، ولی ایده‌های وی در جریان تبلیغات انتخاباتی به‌ویژه انتقادات نامبرده به سیاست و عملکردهای تاکتونی اصولگرایان در هر زمینه‌ای باعث شد که مردم به امید به تحقق پیوستن وعده‌هایش، آرای خود را به نفع وی به صندوق‌ها بریزند.

اصلاح‌طلبان نیز که بیانات و وعده‌های آقای روحانی را بیشتر در راستای خواست‌های خود می‌دیدند، از نامبرده پشتیبانی نمودند و به‌ویژه نقش محمد خاتمی و رفسنجانی در جلب آرای گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب و شمارِی از اصولگرایان معتدل در این مورد تأثیر بسزایی داشت.

استعفای عارف نیز کمک بسیاری به ریختن همه‌ی آرای این گروه‌ها به صندوق به نفع این پروسه نمود، اقدامی که کاندیداهای اصولگرا نه تنها از انجام آن عاجز ماندند، بلکه در جریان مناظرات و تبلیغات انتخاباتی، علیه همدیگر تبلیغ می‌کردند،

اشتباه

خواهد بود

اگر چنین پنداشته

شود که انتخاب

روحانی گفتن "نه"

به سیاست‌های رژیم

"ولایت فقیه" بوده است،

بلکه واقعیت این است که

روحانی هم فرمانبردار

و مطیع رهبری است

و سیاست‌ها و

برنامه‌های وی را

دنبال خواهد

کرد



رئیس جمهور

هرکسی که باشد، به قول آقای خاتمی،

کارگزاری بیش نیست و میدان مانور وی بسیار محدود

است، بنابراین اگر در آینده تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی

روی دهد، بازهم منشأ این تغییر، ولایت فقیه خواهد بود نه

رئیس جمهور.



اورانیوم خواهد بود و مردم ایران نیز این مدت را صبر و حوصله پیشه خواهند کرد تا شاید از این امامزاده معجزه‌ای برخیزد، بدین جهت در این مدت، اپوزیسیون برانداز می‌بایستی کار و روشنگری بیشتری انجام دهد و اینکه چنین معجزه‌ای اتفاق خواهد افتاد یا نه، باید منتظر بود.

منشأ این تغییر، ولایت فقیه خواهد بود نه رئیس جمهور. کردستان: رسالت اپوزیسیون در آینده‌ی پس از ۲۴ خرداد ۹۲ چیست و تا چه حد فکر می‌کنید نتیجه‌ی این انتخابات کار را بر مخالفان رژیم دشوار خواهد نمود؟

تا حدی امیدوار کرد، مسأله‌ی دمکراتیک بودن یا نبودن انتخابات، برای غرب در مراتب بسیار پایین‌تری قرار دارد. کردستان: با توجه به پیام‌هایی که از سوی جامعه‌ی بین‌المللی ارسال شد، فکر می‌کنید حضور حسن روحانی در رأس قوه‌ی مجریه حامل چه تغییراتی در سیاست

روزنامه

چرا ایران اصلاح پذیر نیست؟

سایت "سیاست خارجی" چند مقاله تحلیلی مفصل به قلم چند نویسنده درباره ابعاد گوناگون دور یازدهم انتخابات ریاست جمهوری ایران منتشر کرده است. یکی از مقالات که روز ۲۹ خرداد انتشار یافته است، تحت عنوان "چرا ایران اصلاح پذیر نیست" به قلم "کریستین کارل" نگاشته شده است. در لید مقاله مذکور آمده است: "بسیاری از تحلیلگران، نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران را به عنوان پیروزی انتخاب عمومی قلمداد می‌کنند. اما این گزارش‌های خوشبینانه از داستان اصلیت غافل شده‌اند". نویسنده در پاراگراف اول می‌نویسد:

"سرانجام یک میانه‌رو در انتخابات ریاست جمهوری ایران پیروز شد. میانه‌رویی که خود را به عنوان مدافع فریبکار آرزوهای هسته‌ای تهران معرفی کرده است. میانه‌رویی که به کشورهای اروپایی هشدار داده که کاری به جنگ داخلی سوریه نداشته باشند (جایی که ایران از دیکتاتوری جنایتکار بشار اسد بسیار حمایت کرده است). میانه‌رویی که تنها هنگامی اجازه رقابت یافت که جمعی از کاندیداهای عملکردتر توسط کمیسیون تعیین رهبر کنونی از میدان خارج شدند. همچنین میانه‌رویی که روشن ساخته است خواستار تغییرات عمیق در اصول حکومت آخوندی نیست، اصولی که هسته‌ی سیستمی است که آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۷۹ آنرا تأسیس کرد. لذا آیا باید این را جشن گرفت؟" نگارنده در پاراگراف‌های بعدی مقاله، به تفصیل به چگونگی تأسیس جمهوری اسلامی و ساختار سیستم می‌پردازد و می‌گوید، نظام بر اساسی است که ولی فقیه نماینده خدا در زمین است و آن بخش از آخوندها هم که مخالف چنین قاعده‌ای بودند، به مرور به حاشیه رانده شدند. در ادامه، پس از پرداختن به اینکه امروز تعداد مخالفان سیستم درون نظام کم هستند و پرداختن به موضوع حمایت‌های جمهوری اسلامی از سوریه و اتحاد این نظام با کره شمالی و غیره، می‌نویسد: "سی و چهار سال پس از انقلاب، روز به روز بیشتر روشن می‌شود که این سیستم که توسط خمینی بنیان گذاشته شد، قابل تغییر نیست".

نویسنده در بخشی از مقاله، وضعیت کنونی ایران را با وضعیت شوروی سابق در دوران گورباچف مقایسه می‌کند و به تشابهات میان آنان، منجمله وجود اقلیت‌های ملی اشاره می‌کند که از وضعیت موجود کاملاً ناراضی هستند.

ایشان در پایان می‌نویسد: "می‌توانیم این انتظار را از روحانی داشته باشیم که برخی کارهای بسیار جزئی در راستای اصلاحات انجام دهد. اما بسی جای تعجب خواهد بود که پا را از این فراتر نهد. خود می‌داند که اگر فراتر رود، خود را در معرض خطر مرگ قرار خواهد داد".

منبع:

Foreignpolicy.com

سراب انتخابات و همیشه خفتگان

کیهان یوسفی

رژیم تبدیل شوند.

به نام دفاع از حقوق ملت کرد ۳۴ سال است که در حال آزمون و خطا در چهارچوب سیستم جمهوری اسلامی هستند و کاسه‌ی گدایی در دست گرفته و دست تمنا را به سمت کسانی دراز می‌کنند و از آن‌ها طلب حق می‌کنند که خود آن‌ها ناقض و پایمال‌کننده‌ی حقوقشان می‌باشند. به همین خاطر در این دور از انتخابات ریاست جمهوری، عده‌ای از افراد و جریان‌ها تبدیل به هوادار و بلندگوی تبلیغاتی شخصی همچون "روحانی" شدند و در دامی که رژیم برای آن‌ها پهن کرده بود، اسیر گشته و فریب وعده‌هایی را خوردند که ۳۴ سال است رژیم هربار به نوعی آن را در بوق و کرنا می‌کند، ولی حتی یک‌بار هم گامی برای تحقق آن‌ها برنداشته است.

پرسش این است که انسان بایستی چندپار کاری را انجام دهد که درستی و نادرستی آن برایش مشخص شود؟ آیا ۱۰ دوره‌ی پیشین ریاست جمهوری و آن همه وعده وعیدهای دروغین، به ویژه برای ما کردها کافی نبود تا انسان کرد بویژه سیاسیون کردستان به

این نتیجه برسند که رئیس‌جمهور، هر کسی که باشد دارای قدرت اجرایی لازم برای عملی کردن این تعهدات نیست و به‌ویژه برای ما کردها این ساختار و قانون اساسی رژیم است که مانع و سدی در برابر تحقق حقوقمان می‌باشد. آیا برای یک بار هم آن اشخاصی که دل به سراب انتخابات و وعده‌های توخالی کاندیداها خوش کرده بودند، این سؤال را از خود نکردند که اگر آن کاندیداها صادق و راستگو هستند، چرا تاکنون و در گذشته هیچ گامی در این باره بر نداشته‌اند؟

شاید گاهی اوقات چنین استدلال کنند که نمی‌توان در سیاست مطلق و دگم و تتگ نظر بود، ولی آیا این جمهوری اسلامی نیست که ۳۴ سال است چنین می‌اندیشد و عمل می‌کند و در مورد مسأله‌ی ملیت‌های تحت ستم ایران و به‌ویژه ملت کرد، تک بعدی می‌نگرد و یک سیاست را اتخاذ می‌کند؟

آیا نگاهی به تاریخ کردستان و به‌ویژه حزب دمکرات طی سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی انداخته‌اند تا دریابند

سوریه در برابر سرنوشتی مبهم



بشر سازمان ملل متحد در بیانیه‌ی این سازمان نوشته "مواردی از شکنجه و اعدام کودکان وجود دارد که تمام اعضای خانواده و حتی نوزادان قتل عام شده‌اند". خانم پیلای می‌گوید: "نیروهای دولتی هر روز شهرها و روستاها را گلوله باران می‌کنند. یا به آنها حمله‌ی هوایی می‌کنند و حتی از موشک‌های استراتژیک و بمب‌های خوشه‌ای استفاده می‌شود".

طولانی‌ترین و خونین‌ترین خیزش در میان کشورهای عربی، در سوریه اتفاق افتاده است. سوریه تنها کشوری است که با یک جنگ داخلی تمام عیار و توسل به سلاح‌های سنگین، مردمش را سرکوب و قلع و قمع می‌کند.

جنگ داخلی سوریه، خطرناک است، صرف نظر از اینکه این کشور از لحاظ فیزیکی و شکل ظاهری به کلی ویران گشته، از لحاظ روحی نیز مردم این کشور صدمات بی‌شمار دیده‌اند. اما نگران‌کننده‌تر از آسیب‌های فیزیکی، آسیبی است که به بافت اجتماعی شهرها و روستاهای سوریه وارد شده و آن را به کلی متلاشی کرده است. سوریه کشوری چند ملیتی، چند مذهبی، چند فرهنگی با جغرافیای متفاوت است که حتی بعد از سقوط بشار اسد نیز جنگ‌های قومی، مذهبی و طایفه‌ای در آن ادامه خواهد داشت. به‌عنوان مثال، بعد از

بازسگیری شهر "القصر" توسط نیروهای دولتی و با همکاری حزب‌الله لبنان و مساعدت ایران، در یک خیابان ویران‌شده می‌توان خرابه‌های کلیسای "لیاس‌تورس" را دید که نمایانگر این است که چگونه زمانی شهروندان سوری با مذاهب مختلف، در جوار همدیگر با حسن‌نیت زندگی کرده‌اند.

کردهای سوریه تاکنون خود را از جنگ داخلی سوریه بدور نگاه داشته‌اند. حکومت مجبور شد از مناطق کردنشین عقب‌نشینی کند و اداره‌ی محلی این مناطق بدست کردها افتاد. علیرغم اینکه کردها قبل از این واقعه از جانب رژیم اسد مورد بی‌مهری و آزار و اذیت قرار گرفته بودند و و روزگار پرمحتی را سپری کرده بودند، بعد از پروسه‌ی آزادسازی، از سوی مخالفان بشار اسد هم به آن‌ها توجهی نشد.

تاکنون ناسیونالیسم عربی در سوریه حقوق و آزادی کردها را نادیده گرفته، بدون اینکه این واقعیت را قبول کند که کردها در این کشور باید از حقوق ملی خود برخوردار باشند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که سرنوشت کرد در سوریه به کدام سو سوق می‌یابد؟ در حقیقت کردها در این کشور یک فرصت تاریخی دارند تا با یکپارچگی صفوف خود و با تشکیل یک جبهه‌ی متحد از حقوق خود دفاع نمایند.

معتصم نورانی

جنگ داخلی سوریه وارد مرحله‌ی مرگبار و خطرناکی شده است که روزانه بیش از ۱۰۰ نفر از مردم این کشور اعم از زن و کودک و پیر و جوان، جان خود را از دست می‌دهند. این جنگ خانمانسوز و ویرانگر تمام شهرها و روستای این کشور را فرا گرفته و زیربنای اقتصاد کشور را به کلی ویران ساخته است. بر طبق آخرین گزارش سازمان ملل متحد، تعداد کشته شدگان جنگ داخلی سوریه در دو سالی که از شروع آن می‌گذرد، بالغ بر ۹۳ هزار نفر تخمین زده شده است. این گزارش بیانگر آن است که تا یک سال قبل، ۳۰ هزار نفر در سوریه کشته شده بودند. اما از یک سال پیش تاکنون، طبق آمار در هر ماه بیش از ۵۰۰۰ نفر کشته شده‌اند. البته این آمار از تعداد واقعی کمتر است، چرا که بسیاری از کشتارها گزارش نمی‌شود، بر اساس این گزارش، ۸۰ درصد از کشته‌شدگان مرد بوده‌اند. اما سازمان ملل متحد می‌گوید، اسناد مرگ حداقل ۱۷۰۰ کودک زیر ده سال را در اختیار دارد که در این جنگ کشته شده‌اند.

خانم ناوی پیلای، مسئول کمیسیون حقوق

منبع: www.wsj.com

هفتمین رئیس‌جمهور رژیم کیست؟



رهبر و غیر دموکراتیک بودن قانون اساسی، امکان و توان اجرای تغییر و اصلاحات و عملی کردن وعده‌هایش را ندارد. زیرا پیش از او نیز محمد خاتمی ۸ سال وعده‌ی تغییر و اصلاحات را به مردم ایران داد، اما در پایان دوره‌ی ریاست‌جمهوری گفت: "رئیس‌جمهور تدارک‌تجیبی بیش نیست." لذا پس از نزدیک به ۳۴ سال آزمودن انتخابات در نظام جمهوری اسلامی، مردم ایران بایستی به این آگاهی رسیده باشند که مفاهیم جامعه‌ی مدنی، حاکمیت قانون، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و تجمعات و ... در سیستم جمهوری اسلامی معنا و مفهومی ندارد. لذا در چنین نظامی، انتخاب یکی از مهره‌های رژیم، چه اصلاح‌طلب باشد و چه اصولگرا، هیچ فایده‌ای برای ملیت‌های ایران ندارد.

سیاست‌های رهبر رژیم هستند و اگر هر کس دیگری هم جای روحانی می‌بود و از سیاست‌های دولت انتقاد می‌کرد، با اطمینان حائز اکثریت آرا می‌شد. لذا مردم عملاً شعار حماسه‌ی سیاسی خامنه‌ای را مرده تلقی کردند. با تحلیل دوره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری در جمهوری اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که آنچه تحت عنوان انتخابات از سوی رژیم برگزار گردیده، به علت غیر دموکراتیک بودن و عدم اعتقاد به رأی و خواسته‌های مردم، نبود کاندیدای واقعی، عاری از محتوای یک انتخابات واقعی می‌باشد. حسن روحانی وعده‌ی تغییر و اصلاحات در دولت "تدبیر و امید" و اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی و احقاق حقوق ملیت‌ها را به رأی‌دهندگان داده تا در نظام جمهوری اسلامی عملی نماید، اما به علت در رأس قدرت بودن

سریع‌تر اورانیوم را داد، اقتصاد ایران را دچار بحران و آسیب جدی نمود، حتی اگر خبر تعطیلی روزانه‌ی چند کارخانه و کارگاه، یا اخراج و بیکار شدن هزاران کارگر نیز رسماً اعلام نگردد، باز هم سنگینی آثار زیان‌بخش بحران اقتصادی بر دوش اقشار محروم ایران محسوس است. خامنه‌ای سال ۱۳۹۲ را سال "حماسه‌ی اقتصادی و حماسه‌ی سیاسی" نامید. علیرغم شعار رهبر رژیم، به علت کاهش تولیدات ملی، افزایش سطح قیمت‌ها، کاهش نرخ ریال ایران، اجرای ناقص هدفمندکردن یارانه‌ها و عوامل دیگر، اقتصاد ایران را دچار بیماری مزمن کرده است. همچنین شعار حماسه‌ی سیاسی رهبر رژیم که هدف از آن، مشارکت هر چه بیشتر مردم در نمایش انتخابات بوده است، اما مردم ایران در این انتخابات در عمل نشان دادند که مخالف

و رأی مردم در رژیم جمهوری اسلامی، تنها ابزاری برای رسیدن به اهداف شوم رژیم است و این رژیم هیچ ارزشی برای رأی مردم قائل نیست، اما باید این را نیز در نظر گرفت که پیروزی و شکست در انتخابات، بنیاد سیستم‌های دموکراتیک است، اما از آنجا که در چهارچوب رژیم جمهوری اسلامی هیچ رقابت سیاسی میان جریان‌ات سیاسی وجود ندارد. در چنین شرایطی، پیروزی و شکست نامزدها معنا و مفهومی ندارد. به همین دلیل، رهبر رژیم می‌گوید: رأی به هر کدام از نامزدها به معنای رأی دادن به جمهوری اسلامی است. حسن روحانی در شرایطی خود را برای اجرای وظایف ریاست جمهوری آماده می‌کند که رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر وقت دیگری با بحران‌های خارجی و داخلی روبروست.

بحران‌های خارجی؛ آنچه در اینجا جای تأمل و ریزبینی است، رئیس‌جمهور جدید رژیم باید در فکر برداشتن موانع و حل بحران‌های بین‌المللی از جمله پرونده‌ی هسته‌ای رژیم در شورای امنیت سازمان ملل، مذاکرات با کشورهای ۱+۵، تحریم همه‌جانبه‌ی کشورهای غربی و پرونده‌ی نقض حقوق‌بشر باشد. حل این همه معضلات در حیطه‌ی مسئولیت و صلاحیت رئیس‌جمهور نیست. لذا حسن روحانی با این معضلات سیاسی در آینده دچار مشکل می‌شود.

بحران‌های داخلی؛ انتخابات امسال در شرایطی برگزار گردید که رژیم از لحاظ اقتصادی در بدترین حالت قرار دارد. تحریم‌های شورای امنیت و کشورهای غربی علیه ایران در ۲ سال گذشته، به ویژه از هنگامی که خامنه‌ای رهبر رژیم، دستور غنی‌سازی هر چه

ناصر صالحی‌اصل

روز ۲۴ خردادماه ۱۳۹۲ خورشیدی، انتخابات دوره‌ی یازدهم ریاست جمهوری ایران تحت نظر و کنترل ولی‌فقیه برگزار گردید. روز ۲۵ خردادماه وزیر کشور اعلام نمود که حسن روحانی با کسب اکثریت آرا، به عنوان هفتمین رئیس‌جمهور انتخاب شده است. حسن فریدون روحانی ۶۵ ساله که به عنوان مرد پشت پرده و یار غار رفسنجانی شناخته شده، اهل سرخه از توابع سمنان و از هواداران نزدیک خمینی می‌باشد. در سال‌های نخست انقلاب ایران، مسئول تصفیه‌ی افسران ارتش در پادگان‌ها بود. ۲ دوره نماینده‌ی مجالس شورای اسلامی و خبرگان رهبری بود. ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور بود. ۲ سال مسئول مذاکرات هسته‌ای با وزرای خارجه‌ی کشورهای "بریتانیا، فرانسه و آلمان" و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است. نامبرده یکی از عوامل سرکوب ملیت‌های ایران و اولین کسی بود که لقب "امام" را به خمینی داد. وی همچنین سکوت در برابر کشتار و زندانی کردن مردم در هنگام اعتراضات سال ۱۳۸۸ و عدم انتقاد از سیاست‌های احمدی‌نژاد را در کارنامه‌ی خود دارد. در مدت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، مسئولان رژیم بر این اعتقاد بوده‌اند که با اجرای منظم انتخابات به مثابه یکی از شروط دموکراسی، می‌توانند سیمای مشروع به حاکمیت خویش در سطح بین‌المللی و داخلی بدهند. این در حالی است که دموکراسی یعنی متعهد بودن به اصول دموکراسی و تنها برگزاری انتخابات نمی‌تواند شرط کافی برای وجود دموکراسی در یک کشور باشد. لذا انتخابات

دردسرهای یک مناظره ساده برای جمهوری اسلامی



موجود را نیز در آینده را نخواهد داشت و هزینه کردن نامزدهای ریاست جمهوری از اسرار استراتژیک رژیم، خود بیانگر به بن‌بست رسیدن و سوختن تمام کارت‌های بازی رژیم است. رژیم می‌خواهد با برگزاری مناظره‌ی تلویزیونی، ادای نظام‌های دموکراتیک را در بیاورد، اما هرگاه که فقط برای چند لحظه، سر طناب را شل می‌کند، توتالیتاریزم، دیکتاتوری و جنایت‌پیشگی آن بیشتر به چشم می‌آید و اینجاست که دست و پای خود را گم کرده و به حرکات جنون‌آمیز و غیر منطقی دیگری دست می‌زند که باعث بدتر شدن اوضاع ناپایدار آن می‌شود. این رفتار جمهوری اسلامی مصداق همان ضرب‌المثل معروفی است که می‌گوید: "کلاغ می‌خواست راه رفتن کبک را بیاموزد، راه رفتن خودش را هم فراموش کرد".

خود نشانندن امثال روحانی، ولایتی، محسن رضایی و... برخی از اسرار هسته‌ای رژیم را فاش کند، حسن روحانی در واکنش به کسانی که او را عامل تعلیق برنامه‌ی اتمی و خائن قلمداد می‌کردند، ناچار شد اعتراف کند که علیرغم توافق هسته‌ای، در اقدامی مزورانه، جمهوری اسلامی در همان دوران تعلیق، چرخه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای خود را تکمیل نموده است و دیگران هم ناچار شدند برای عقب نماندن از قافله، هر کدام به اندازه‌ی وزن و نقش خود در جنایات گذشته، گوشه‌ای از پرونده‌های جنایات رژیم را از بایگانی تاریخ بیرون کشیده و به یاد مردم بیاورند. این مسأله نه ناشی از دلسوزی نامزدها برای مردم، بلکه به دلیل نیاز آنان به مطرح نمودن خود و لو به قیمت آسیب زدن به ساختارهای متزلزل رژیم بود. مناظرات نشان داد که رژیم دیگر ظرفیتی برای برگزاری همین انتخابات فرمایشی

سرازیر شدن سیل استهزاء و رواج طنزهای گزرنده و نیشدار در افواه عمومی و به سخره گرفتن مناظرات تلویزیونی رژیم را در داخل و خارج از کشور فراهم آورد، اینجا بود که رژیم لازم دید برای گرم کردن تنور بازی‌ها، اندکی فیتیه‌ی مناظرات را بالا بکشد و در مناظره‌ی سوم که به مباحث سیاسی اختصاص داشت، بازهم شاهد بروز تنش‌های هرچند جزئی در میان نامزدها بودیم. مناظره‌ی سوم نشان داد که نامزدهای ریاست جمهوری رژیم اگر اندک فرصتی برای ابراز برخی رازهای ناگفته‌ی رژیم بیابند، برای جلب رأی رأی‌دهندگان، تردیدی در افشاگری و هزینه کردن از اسناد فوق سری جنایات رژیم به خود راه نخواهند داد. از دل همین مناظرات بود که سعید جلیلی، مذاکره‌کننده‌ی ارشد هسته‌ای رژیم و یکی از نامزدهای مورد علاقه‌ی باندهای نظامی_امنیتی و گروه‌های افراطی رژیم، ناچار شد گاه‌گاهی برای سر جای

پرونده‌های فساد و جنایت یکدیگر کشانده شوند، امری که اگرچه به توفیق رژیم در تحقق انتخاباتی پرشور یاری رساند، اما ناخواسته باعث شد که سخنان ناگفته‌ای از تلویزیون رژیم بخش شود که بینندگان این تلویزیون تا آن زمان با آن بیگانه بودند و دانستن آن باعث خشم بیشتر مردم از فساد و تبهکاری باندهای قدرت در این رژیم مافیایی گردید.

رژیم به اینجای کار فکر نکرده بود. موسوی، کروبی، رضایی و احمدی‌نژاد هرگز نه وجاهت آن را داشتند که از جنایات سیاهی همچون اعدام‌ها، ترورها و سرکوب‌های خونین پرده بردارند و نه اصولاً چنین اجازه‌ای به آن‌ها داده می‌شد که آرنج‌های خونین یکدیگر و دستان آغشته به خون رژیم را کاملاً برملا سازند، اما دانستن برخی از کم اهمیت‌ترین بی‌کفایتی‌ها و جنایات این باندها نیز کافی بود تا خشم مردم شعله‌ور گردد و خیابان‌ها برای نخستین‌بار شاهد خروش میلیونی مردم علیه رژیم شد که آمده بود تا مشارکت ۴۰ میلیونی را جشن بگیرد.

۴ سال پس از آن روزها، انتخاباتی دیگر و مناظراتی دیگر برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی، یکبار دیگر هراس رژیم از کوچکترین انتقاد و شفافیت را به نمایش گذاشت. در مناظرات انتخاباتی این‌بار، رژیم حداکثر تلاش خود را به کار برد تا هم نمایشی از مناظرات به راه بیندازد و هم با بستن فضای مناظرات، امکان طرح مباحث جنجال برانگیز را حتی از نامزدهای ریاست جمهوری خویش سلب نموده و این مرحله را به سلامت پشت سر بگذارد، اما وقتی دو مناظره‌ی نخست نامزدها چنگی به دل نزد و نه‌تنها محرکی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌ها نشد، بلکه موجبات

سلام اسماعیل‌پور

برگزاری مناظرات انتخاباتی یکی از روش‌های مرسوم در نظام‌های دموکراتیک برای عرضه‌ی برنامه‌های سیاسی کاندیدها و فراهم نمودن امکان مقایسه و گزینش از میان آن‌ها برای مردم و رأی‌دهندگان است.

مناظره، مستلزم فضای باز و شرایطی است که در آن کاندیدها بتوانند با نقد شرایط موجود و نقایص برنامه‌های یکدیگر، راهکارهای عملی خود برای گذار از شرایط نامطلوب و پاسخگویی به خواسته‌های رأی‌دهندگان ارائه نمایند.

اما هنگامی که یک رژیم تمامیت‌خواه و ایدئولوژیک بخواهد از ابزارهای یک بازی دموکراتیک به سود خویش بهره‌برد و رُست دموکرات منشی بگیرد، لاجرم در دام تناقضی گرفتار خواهد شد که ریشه در تضاد ذاتی آن با دموکراسی و ناتوانی‌اش در اجرای این نمایش دارد.

مناظرات انتخاباتی در جمهوری اسلامی یکی از نمونه‌های همین بازی نافرجامی است که رژیم علیرغم وقوف به عجز و ناتوانی خویش در اجرای چنین نمایش‌هایی، همچنان اصرار دارد که از آن برای جلب توده‌ی رأی‌دهندگان مکلف استفاده نماید.

هنوز ماجرای مناظرات تلویزیونی ۱۳۸۸ از یادها نرفته است، مناظراتی که قرار بود تنور انتخابات را گرم نموده و مشروعیت را به کالبد نامشروع جمهوری اسلامی تزریق نمایند، اما بی‌تجربگی رژیم در مدیریت چنین برنامه‌هایی باعث شد که کاندیدها برای جلب آرای مردم، به مسابقه‌ی افشاگری و روکردن گوشه‌هایی از

ستم سیستماتیک علیه مردم یارسان



نمی‌شود بلکه تنها به عنوان موجودی مادی و ابزاری در جهت نیل به اهداف رژیم مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. در پایان، ضمن محکوم نمودن عمل شنیع جمهوری اسلامی در توهین به مقدسات مردم غیور یارسان، ماهیت ضد بشری و ضد دینی این رژیم شوونیست و روا بودن مطالبات و خواسته‌های مردم یارسان با استناد و اتکا به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و دیگر مصوبات و میثاق‌های جهانی مربوط به حقوق بشر را یادآور شده و خاطرنشان می‌کنیم که بایستی حقوق فردی و جمعی آن‌ها به صورت قانونی به رسمیت شناخته شوند.

جایی که دو هموطن یارسان در جلوی زندان همدان به نشانه‌ی اعتراض و محکوم کردن این عمل غیرانسانی مسئولین زندان، اقدام به خودسوزی نموده که متأسفانه جان خود را در این راه از دست دادند. این عمل شنیع مسئولین زندان همدان و اتفاقات پس از آن، یک‌بار دیگر اوج ظلم و ستم، بی‌عدالتی، خفقان و سرکوب را در نظام ولایت فقیه نمایان‌تر می‌سازد. بدیهی است که این رژیم هیچ ارزشی برای اعتقادات و باورهای انسان‌ها و به‌طور کلی برای انسان قائل نیست و به رغم ادعاهای مسئولین رژیم ایران انسان، نه تنها به عنوان موجودی الهی و اشرف مخلوقات نگریسته

تنگ‌تر کرده‌اند. اما گویی این بار، جمهوری اسلامی عزم خود را بیش از پیش علیه مردم یارسان جزم کرده و در تازه‌ترین اقدام خود با فشار بیش از حد بر زندانیان عقیدتی و سیاسی یارسانی در زندان‌های خود و غیر مسلمان خواندن و نجس دانستن آن‌ها، ماهیت شوونیستی خود را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در چند روز گذشته مأمورین رژیم ایران در زندان همدان ضمن بی‌احترامی کردن به یکی از هموطنان یارسان، وی را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند که این امر سبب ایجاد ناراضیاتی عمومی در میان مردم یارسان گردید تا

نشان می‌دهد که برای پیروان آئین یارسان که بزرگترین اقلیت دینی از لحاظ جمعیتی در ایران است (طبق برآورد تخمینی دو و نیم تا سه و نیم میلیون پیرو دارد) هیچ‌گونه حقوقی در نظر گرفته نمی‌شود تا جایی که با نام‌های جعلی «شیطان‌پرست، علی‌اللهی، یا غلات شیعه» مورد خطاب قرار می‌گیرند. این بی‌احترامی قانونگذاران به آئین یارسان، دست تندروهای افراطی را در حمله به آن باز گذاشته و مشکلات فراوانی را برای جامعه‌ی یارسان به وجود آورده است به طوری که مردم یارسان از برگزاری آزادانه‌ی مراسم آئینی خود محروم شده و جوانان یارسانی از استخدام در مراکز دولتی بازمانده‌اند و متأسفانه با از این فراتر هم رفته و با ارباب، شکنجه و اعدام سعی در تهدید مردم یارسان را دارند. اخراج معلمین، دستگیری تعداد کثیری از پیروان یارسان و تراشیدن شارب آنها به اجبار، حکم اعدام برخی از یارسان‌های“ اوج تپه میان‌دواب“ و جلوگیری از برگزاری مراسم یادبود“سید خلیل عالی نژاد“ و ممانعت از تحقیق و تفحص در مورد قتل وی، تنها نمونه‌هایی از ظلم روا شده به پیروان این آئین است. اجازه ندادن به چاپ کتب مقدس یارسان و به جای آن، نشر کتب کاملاً انحرافی توسط نویسندگان غیر یارسانی و غیر متخصص و حمله‌ی روزنامه‌های حکومتی به این آئین که نمونه‌ی آن در روزنامه‌های کیهان، جمهوری اسلامی و فرهیختگان و سایت‌های وابسته به دولت و مراکز دینی دیده می‌شود و با صدور فتوا مبنی بر نجاست و کافر پنداشتن پیروان این آئین، عرصه را بر مردم یارسان

عادل مرادی

یارسان به بخشی از مردم «کرد» گفته می‌شود که پیرو یک دین کاملاً بومی و «کردی» به نام «دین یاری» هستند که در ایران به «اهل حق» و در عراق به «کاکه ای» معروف هستند. البته برخی ملیت‌ها و قوم‌های دیگری همچون « ترک‌های آذری » و بخشی از فارسی زبانان در اقصی نقاط ایران و کشورهای همسایه دارای این دین و آیین می‌باشند. آئین یارسان، یکی از ادیان ریشه‌دار به شمار می‌آید. ارکان آئین یارسان آن‌گونه که در دفتر حقیقت آمده، چهار اصل «پاکی»، «راستی»، «نیستی» و «ردا»ست. به این معنی که یک فرد اهل حق باید ظاهر و باطنش از هر حیث پاک باشد؛ در راه راستی و نیکی قدم بردارد؛ صفات نکوهیده، کبر و غرور را از خود دور سازد و بردباری، فروتنی و فداکاری را پیشه کند.

مردم یارسان هم به دلیل هویت ملی، یعنی کرد بودن و هم به دلیل جهان بینی آئینی یارسان، از بدو پیدایش تا به امروز مورد بی‌مهری‌ها و ظلم و تعدی حاکمان مرکزی ایران قرار گرفته‌اند و این حاکمان همواره کوشیده‌اند که آئین یارسان را بی‌اهمیت و آن را شاخه‌ای عرفانی از اسلام و تشیع نشان دهند.

با مراجعه به اصل دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی ایران مشاهده می‌کنیم که هیچ نامی از آئین یارسان برده نشده است و اقلیت‌های دینی شناخته شده در جمهوری اسلامی، زرتشتی، کلیمی و مسیحی هستند و این

روز جهانی پناهندگان



حدودی کارهای سیاسی را ترک کرده و در کمپ‌هایی ساکن شده‌اند که سطح امکانات رفاهی و خدماتی بسیار ضعیف و قسمت اعظم این پناهندگان شغل‌های کم درآمد دارند. سال دوم این خانوار نیز به دلیل عدم شناسنامه‌ی محل سکونت، همچون دیگران قادر به ادامه‌ی تحصیل نبوده‌اند تا بتوانند در شغل رسمی استخدام شوند. بنابراین، آن‌ها نیز همچون نسل پیش از خود آینده‌ای متناهی را انتظار می‌کشند. آینده‌ای نا معلوم. در پایان لازم می‌نماید که به آن حقیقت نیز اشاره کنیم که کردهای پناهنده، با وجود همه‌ی موانع و مشکلات پناهندگی، از همه‌ی ابزارهای مشروع، برای حفظ ملیت خود و ادامه‌ی حیات ملتشان استفاده می‌کنند و تا پیروزی دست‌بردار نخواهند بود.

و برای پیشبرد زندگی روزمره دچار مشکل شده‌اند و در کارهای اداری دچار معضل می‌شوند. این در حالی است که در بیشتر کشورها زمان مشخصی برای دادن شناسنامه (ستیزن) به پناهندگان در نظر گرفته شده است. همه‌ی کشورهای عضو سازمان ملل، به نوعی موظف به در نظر گرفتن بیانیه‌ی حقوق بشر این سازمان هستند که در این بیانیه، چند بند هم در خصوص حقوق پناهندگی درج شده است، اما متأسفانه در اینجا، در بخش دیگری از خاک کردستان قدم آن‌چنانی برای رفع این مشکلات پناهندگان کرد کردستان عراق برداشته نشده است. – وضعیت زنگی نامناسب و بحران بیکاری: بخش دیگری از آن‌هایی که سالهاست تا

که وطن و فرهنگ محل تولد، نقش بزرگی در شکل گرفتن شخصیت انسان ایفا می‌کند، اما آن‌هایی که از مملکت خویش مهاجرت می‌کنند، به خصوص آن‌هایی که به اجبار وطن خویش را ترک می‌کنند، دچار آشفتگی هویت می‌شوند و نمی‌توانند فرهنگ و هویت مبدأ را در خود نهادینه کنند و فرهنگ خودشان نیز دچار بحران خواهد شد و این امر باعث آشفتگی روانی و در نتیجه، موجب نوعی افسردگی می‌شود.

– بلا تکلیفی و ندادن شناسنامه: جمعی از آن افراد که به دلایل سیاسی از کردستان ایران روانه‌ی عراق و اکنون مقیم اقلیم کردستان هستند، پس از سی سال موفق به دریافت شناسنامه‌ی این کشور نشده‌اند

اجتماعی موانع عدیده‌ای بر سر راهشان گذاشته می‌شود. حق تحصیل ندارند و رفت و آمدشان به برخی مکان‌های شهری و تفریحی ممنوع است. بدون حق برخورداری از وکیل، دادگاهی و به اعدام محکوم می‌شوند و عده‌ای نیز به اجبار به کشور خود بازگردانده می‌شوند. همان‌گونه که می‌دانید، پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، گروهی دیکتاتور و انحصارطلب قدرت را قبضه کردند و از همان آغاز، ثابت کردند که اعتقادی به آزادی سیاسی و اجتماعی فردی و حزبی ندارند و با به‌کارگیری اعدام و رعب و وحشت، قدرت خود را بر مردم تحمیل کردند. این عملکرد وحشیانه‌ی رژیم نوپا، اعتراض آزادی‌خواهان و دگراندیشان را در پی داشت که راسخ‌تر و محکم‌تر از بخشی‌های دیگر ایران، این کردستان بود که به مامن آزادی‌خواهی مبدل شد و قسمت اعظم این دگراندیشان روانه‌ی کردستان شدند و در نتیجه‌ی مقاومت و ایستادگی ملت کرد برای رسیدن به خواسته‌هایشان، رژیم با تمام توان به خاک کردستان حمله و با جنایات و کشتار، وطن‌مان را اشغال کرد.

بخش بزرگی از مردم کرد برای مقابله و مبارزه سیاسی، به اجبار به عنوان پناهنده‌ی سیاسی به سوی عراق و کردستان عراق حرکت کردند. اگر بخواهیم تأثیرات این پناهندگی اجباری را در نظر بگیریم، با وجود ادامه‌ی مبارزه بر ضد اشغالگری دیکتاتور، مشکلات و معضلات عدیده‌ی را برای این افراد در پی داشت که به اختصار به چند نکته از آن‌ها می‌پردازیم.

– جنبه‌ی روانی: همه‌ی انسان‌ها می‌دانند

چکو احمدی

روز ۳۰ خردادماه (ژوئن) از سوی سازمان ملل متحد به عنوان روز جهانی پناهندگان اعلام شده است. در تعریف کلی، پناهنده به کسی اطلاق می‌گردد که در کشور و محل زندگی خود به دلایل سیاسی، مذهبی، اجتماعی، جنسی، زبان و ملیتی و...، از سوی دولت یا گروهی مورد تعقیب قرار گرفته و به اجبار به کشور دیگری پناه می‌برد. لازم به ذکر است که در بسیاری موارد، واژه‌ی پناهنده با مهاجر که با هم تفاوت زیادی دارند به اشتباه به کار گرفته می‌شود که این درست نیست. در کشورهای عقب‌افتاده و دیکتاتور، پدیده‌ی پناهندگی امری طبیعی قلمداد شده و حتی خیلی مواقع، در این‌گونه کشورها رخ می‌دهد. در میان این کشورها و ملت‌ها، ملت کرد به دلیل عزم راسخ برای رسیدن به حقوق مشروع خود و ادامه‌ی مبارزه، بیشتر از دیگر ملت‌ها دچار آوارگی شده و به اجبار، راه پناهنده شدن به کشورهای دیگر را انتخاب نموده و این تبعید خود خواسته‌ی اجباری تا حدودی به حیات ملتی تحت ستم یاری رسانده است. لازم می‌نماید که به اختصار، به چگونگی رفتار رژیم جمهوری اسلامی ایران با پناهندگان (به خصوص افغانی و عراقی) اشاره شود. وضعیت زندگی پناهندگان در ایران به ویژه در این چند سال گذشته، همچون بحران انسانی قلمداد می‌شود و اصول بنیادی مرتبط با حقوق پناهندگی رعایت نمی‌شود. در زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی و

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

فاتح صالحی

انتخاب یازدهم

انتخابات یازدهمین دوری ریاست جمهوری در ایران به پایان رسید و آنچه بیش از هر مقوله‌ی دیگر توجه افکار عمومی را به خود جلب نمود، بیرون آمدن اسم حسن فریدون روحانی به عنوان رئیس جمهور از صندوق‌های رأی بود. اما اینکه روحانی چرا با وجود حضور چهره‌هایی مثل قالیباف، ولایتی، جلیلی و محسن رضایی توانست رأی اعتماد رهبر نظام را برای خود محقق سازد؟ سؤالی است که آیندگی معادلات سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی در داخل و خارج از مرزهای ایران، روشن خواهد ساخت.

بدون شک، انتخاب روحانی نمایانگر بحرانی عمیق در عرصه‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی بود. چراکه بدون هیچ تردیدی سیاست‌های نادرست هشت سال تجربی زمامداری احمدی‌نژاد به مثابه مظهر سیاست‌های اصولگرایان، فضایی را در سطوح داخلی و خارجی ایجاد نموده بود که رژیم را به سوی سرنگونی سوق می‌داد.

در عرصه‌ی داخلی سواى خفقان و ایجاد فضای امنیتی و رعب و وحشت و محدودیت آزادی‌های فردی و همچنین فشار بیش از اندازه‌ی اقتصادی و ناامیدی مردم، جامعه‌ی ناراضی ایران به سوی انفجاری اجتماعی - سیاسی می‌رفت. در عرصه‌ی بین‌المللی هم سیاست‌های احمدی‌نژاد تا جایی شکست خورد و پیش رفت که بسیاری از کشورهای جهان ایران را به عنوان یک خطر بزرگ قلمداد کردند. از همین رو، رأی آوردن روحانی ضرورتی انکارناپذیر بود، چراکه ایران هم در عرصه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی بین‌المللی به سوی بحرانی عمیق می‌شتافت و در لبه‌ی پرتگاه سرنگونی بود.

روحانی دریکی از آخرین دیدارهایش با اعضای ستادهای انتخاباتی خود گفت، انتخابات این دوره به لطف امام زمان و تدبیر خامنه‌ای، رهبر نظام بود و گرنه اکنون این روزها را نمی‌دیدیم. اینجاست که مهندسی انتخابات در ادبیات شفاهی ولایت فقیه جای خود را به تدبیر می‌دهد و برای همگان آشکار می‌کند که رئیس‌جمهور شدن روحانی، مسأله‌ای نبود که خامنه‌ای علیرغم ادعایش در روز رأی‌گیری از آن مطلع نباشد.

از همین رو، با اطمینان می‌توان گفت که ماه‌های آینده برای افکار عمومی داخل و خارج از کشور به خوبی نمایان می‌سازد که روحانی، کلیدی را که به عنوان سمبل انتخاباتی خود برگزیده بود، کلیدی نیست که خود آن را برداشته باشد، بلکه کلیدی است که رهبر رژیم برای باز کردن قفل‌های بسته‌ی سیاست‌های داخلی و خارجی نظام به روحانی سپرده است. کلیدی که بدون اجازدی خامنه‌ای نمی‌تواند هیچ قفلی را باز کند.

بی پولی سلامتی افراد را به خطر می‌اندازد



محققان انگلیسی در یک تحقیق جدید ، به این نتیجه رسیده‌اند که سلامتی و تندرستی مردم یونان به دلیل تأثیرات سیاست‌های اقتصادی و راه‌های کاهش هزینه‌های دولت ممکن است به خطر بیفتد.

در این تحقیق که مجله‌ی "لانست" آن را منتشر کرده است، آمده است که کاهش بودجه‌ی بیمارستان‌ها، وضعیت تندرستی و سلامتی مردم این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر اساس این تحقیق، دولت یونان که با مشکل اقتصادی بزرگی روبرو شده است، بودجه‌ی بیمارستان‌ها را ۴۰ درصد کاهش داده است که این امر، موجب کمبود امکانات پزشکی و روی آوردن مردم به دادن رشوه برای معالجه در بیمارستان‌های این کشور شده است.

طبق برآوردی که گروه آمارگیری درآمد و وضعیت زندگی اتحادیه‌ی اروپا منتشر کرده است، در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، تعداد افرادی که به دلیل طولانی بودن مدت زمان دریافت ویزیت در بیمارستان‌ها، برای معالجه به پزشک مراجعه نمی‌کنند

۱۵ درصد افزایش یافته است.

همچنین محققان اعلام داشته‌اند که افزایش ۱۴ درصدی در میان افرادی که وضعیت تندرستی آن‌ها مناسب نبوده است، مشاهده می‌شود و تعداد افرادی که مورد معالجه‌ی لازم قرار می‌گیرند نیز

کاهش یافته است.

همچنین تعداد افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند، در سال گذشته در مقایسه با سال ۲۰۰۹، ۲۵ درصد افزایش یافته است و ابتلای جوانان به بیماری ایدز به شیوه‌ای چشمگیر افزایش یافته است زیرا بسیاری

از جوانان به تن فروشی و فحشا روی آورده‌اند.

بر اساس این گزارش، این سرآغاز مشکل است و در چند سال آینده، تأثیرات بسیار مخربی بر زندگی شهروندان یونانی خواهد گذاشت.

تأثیر تغییرات آب و هوایی بر درختان و گیاهان



بسیاری دارد و اظهار داشته‌اند برگ این درخت در قرن نوزدهم ۳/۲ میلیمتر بوده است اما اکنون ۱/۹ میلیمتر است.

دانشمندان اظهار داشتند، کوچک شدن برگ این درخت به دلیل تغییرات آب و هوای است و همچنین بیان داشتند، دمای هوا در مناطقی که این تحقیق در آنجا انجام شده است از سال ۱۹۵۰ تاکنون ۱/۲ درجه افزایش یافته است.

"اندرو لوی" سرپرست گروه تحقیقاتی دانشگاه ادلاید استرالیا گفت: تغییراتی که در برگ درختان به وجود می‌آید، به دلیل انطباق آن‌ها با تغییرات آب و هوایی می‌باشد زیرا به همان اندازه که برگ کوچکتر باشد میزان از دست دادن آب در درخت کاهش می‌یابد.

تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که برگ تمام درختان با کاهش باران و افزایش دمای هوا کوچکتر می‌شود.

دانشمندان استرالیایی به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات آب و هوایی، تأثیر بسزایی بر برگ درختان و گیاهان دارد. افزایش دمای زمین باعث شده است اندازه‌ی برگ درختان در استرالیا در مقایسه با ۱۳۰ سال قبل، بسیار کوچکتر شوند.

محققان اعلام داشته‌اند که ۲۵۵ برگ درختی استرالیایی به نام "دودونیا فیسکوسا" را مورد آزمایش قرار داده‌اند که استرالیایی‌ها آن‌ها را از سال ۱۸۸۰ تاکنون گردآوری نموده‌اند و با مقایسه‌ی این برگ‌ها با برگ همان درخت در سال جاری، به این نتیجه رسیده‌اند که اندازه‌ی برگ‌های این درخت در مقایسه با گذشته ۲ میلیمتر کوچکتر شده است.

هر چند با نگاه کردن به این برگ‌ها با چشم غیرمسلح، این تفاوت چندان قابل توجه نیست، اما دانشمندان تأکید می‌کنند که این موضوع از لحاظ علمی اهمیت

ساخت ساعت مجهز به اینترنت



را ساخته است که مورد پسند مردم قرار گرفته است.

این دو ساعت جدید، مشخصات و ویژگی‌های فوق را دارا می‌باشند و توسط آن‌ها می‌توان از اینترنت، از طریق موبایل و بدون استفاده از کابل و با استفاده از بلوتوث بهره جست .

قیمت این ساعت جدید و متعلقات آن، ۳۵۰ دلار آمریکا می‌باشد.

در هنگام دریافت ایمیل یا پیام در فیس‌بوک و تویتر، کاربر توسط زنگ هشداردهنده آگاه می‌شود.

شرکت سونی، برنامه و نرم افزارهای جدیدی برای این ساعت طراحی کرده است که در آینده، آن‌ها را به بازار عرضه می‌کند.

در نمایشگاه بین‌المللی تکنولوژی در «لاس‌وگاس» آمریکا، شرکت سونی غول عرصه‌ی تکنولوژی و "ایم‌وج" ایتالیا با همکاری یکدیگر، دستگاهی ساخته‌اند که مانند ساعت مچی می‌باشد و شخص با استفاده از آن می‌تواند موسیقی گوش دهد، ایمیل و سایت خود را نیز بازبینی کند. این ساعت که «اسمارت وچ» نام دارد، قرار است در اواخر ماه آینده توسط شرکت سونی به بازار عرضه شود.

«ماسیمیلیانو بوتولین»، مؤسس «ایم‌وج» و رئیس کنونی شرکت اظهار داشت: اکنون زمان مناسبی برای عرضه‌ی این ساعت به بازار می‌باشد زیرا مردم دستگاهی الکترونیکی را می‌پسندند که ظاهری زیبا داشته باشد. این سیاست پنهانی شرکت اپل می‌باشد که دستگاهی